

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۹۷، اردیبهشت ۱۴۰۳

نگاهی به اوضاع کنونی ایران و سیاست چپ و ویژگی‌های آن!

توضیح پیام فدائی: آنچه که در زیر می‌آید متن مصاحبه تلویزیون برابری با رفیق فریبرز سنجری در مورد اوضاع کنونی و سیاست چپ در جامعه می‌باشد که در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ صورت گرفت. پیام فدایی متن این مصاحبه را با برخی ویرایش‌های جزئی آماده نموده و به این وسیله در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد. فایل صوتی این مصاحبه نیز از طریق لینک‌های زیر قابل دسترسی است:

<https://tvbarabari.net/?p=15497>

<https://www.youtube.com/watch?v=UIXmwUz8L5E>

مجری برنامه (علی دماوندی): با سلام‌ها و درودهای گرم به شما بینندگان عزیز تلویزیون برابری و برنامه گفتگو. با رفیق فریبرز سنجری هستیم و نگاهی می‌کنیم به چپ و راست در عرصه نبرد سیاسی و اجتماعی در ایران و تحولات کنونی در ایران. درود بر شما فریبرز عزیزم.

فریبرز سنجری: با درود به همه بینندگان این برنامه و با تشکر از شما که این گفتگو را امکان پذیر کردید و این دعوت را انجام دادید.

مجری برنامه: جنگ وحشیانه و بسیار گسترده‌ای علیه زنان حکومت اسلامی از آغاز سال نو آغاز کرده؛ روزی نیست که زنان در خیابان‌ها توسط نیروهای امنیتی و پلیسی و نظامی و حکومتی به زنجیر کشیده نشوند به واگون‌ها و در واقع ماشین‌های حکومتی کشیده می‌شوند و با ضرب و شتم و توهین و مجازات‌های زنان در همه جا ادامه دارد بیمارستان‌ها و بسیاری از خدمات اجتماعی برای زنانی که نافرمانی مدنی را سامان می‌دهند در حال اجراست در عین حال سیاست اعدام و کشتار بر علیه فعالان اجتماعی و فعالان سیاسی مدام به رخ جامعه کشیده می‌شود حکومت در یک بن بست واقعی است دستی خالی داره در اجرای هر گونه پاسخ دهی به هر گونه اعتراضات و مطالبات اجتماعی و دستی و تنی با زنجیر و قمه و سلاح و سرنیزه علیه مردم، ارزیابی شما از موقعیت کنونی چه هست؟ چگونه می‌بینید این نبرد را؟

پاسخ: قبل از هر چیز بگذارید روی یک چیزی را رویش تاکید کنم اینکه جمهوری اسلامی از بیست و پنج فروردین ماه یک یورش را به زنان آغاز کرده تحت نام طرح نور که در واقع طرح سپاهی و تباهیه که بر زنان دارد تحمیل می‌شود این یک واقعیتیه ولی سرکوب زنان در جمهوری اسلامی از همان سال ۵۷ که اینها بقدرت رسیدن شروع شده و همچنان هم ادامه دارد فقط فرق مسئله اینه که رژیم هر وقت می‌خواهد در کل جامعه رعب و وحشت ایجاد کند خفقان درش اعمال بکنه یعنی خفقان را تشدید بکنه بقول جوانان این دوره گیر می‌دهد به زنان و تحت پوشش حجاب اسلامی و قوانین اسلامی زنان را تحت فشار می‌گذارد، خوب همین هم یک حدی البته به این وسیله کل جامعه را تحت فشار می‌گذاره و سرکوب می‌کند و برای همین هم هست که ما همیشه تاکید کرده‌ایم که سرکوب زنان، سرکوب جامعه است. خوب اگر هم دقت بکنیم، می‌بینیم که در این طرح فشار به زنان فقط این نیست که یک زنی را بخاطر اینکه روسری‌اش را سرش نکرده در خیابان بگیرند بلکه ما خیلی از رستوران‌ها و موسسات مختلف و نهادهای مختلف حتی مراکز تفریحی را هم رژیم پلمب می‌کند و در آنها را می‌بندد و روش هم می‌نویسد بخاطر عدم رعایت حجاب اسلامی؛ در حالی که خیلی از این رستوران‌ها اصلا خودشان را در این موقعیت نمی‌بینند که حالا بردارند دم درب یکی را بگذارند که به مشتری بگوید حجابت را رعایت کن

تا حق داشته باشی بیایی غذا بخوری. پس به همین طریق هم این سرکوب، فقط سرکوب زنان نیست سرکوب کل جامعه است. از ابتدا هم بوده ولی خوب یک واقعیتی هم هست در خیزش ۱۴۰۱ جمهوری اسلامی چون وقتی که ژینا (مهسا) امینی توسط گشت ارشاد دستگیر شد و در بازداشتگاه گشت ارشاد کشته شد، مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به بیمارستان کسرا برده شد و کشته شد از آن موقع یک خیزشی در میان مردم ما رخ داد که بیش از ۱۶۰ شهر را درگیر کرد و جمهوری اسلامی بخاطر این خیزش عقب نشینی کرد و گشت ارشاد را از خیابان‌ها جمع کرد. حالا که امواج آن خیزش یک حدی فروکش کرده این جمهوری اسلامی و سردمداران جمهوری اسلامی شرائط را از نظر خودشان مساعد دیدند که حمله کنند به زنان و به همین دلیل هم طرح نور را راه انداختند و وحشیگری‌های خیلی شدیدی در خیابان‌ها انجام می‌دهند و می‌خواهند در واقع مثل همان چیزهایی که در سال ۶۰ انجام دادند، اگر سال ۶۰ یادتان باشد تیغ می‌کشیدند به صورت زنان، پونس می‌زدند به پیشانی زنان، با دستمال‌های که در آنها خرده شیشه بود آرایش زنان را بهم می‌زدند همان کارها را دارند الان با وحشیگری تمام انجام می‌دهند. این بواقع وسیله‌ای است برای گسترش خفقان در سطح جامعه و سرکوب کل جامعه و به همین دلیل هم باید در مقابلش ایستاد و کل جامعه را باید سازمان داد برای مقابله با این یورش وحشیانه و اینکه باید توجه کرد که بحث سر حجاب نیست بحث سر سرکوب مردمی است که اساسا هر لحظه آنقدر در شرائط معیشتی بدی قرار گرفته‌اند که خود جامعه شناسان این رژیم، خود مسئولین این رژیم مدعی هستند که شورش گرسنگان هر لحظه ممکن است شکل بگیرد.

مجری برنامه: به نکته مهمی اشاره کردید به این جنبش گرسنگان، ما شاهدیم که مدت‌هاست جنبش بازنشستگان خیابان‌های شهرها را در یکشنبه‌ها و دوشنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها در واقع درمی‌نوردد و صداهای فریاد در واقع سفره‌های خالی و یا جان‌هایی را می‌بینیم که در واقع در زیر چرخ این استثمار شدید و فلاکت گسترده در حال واقعا له شدن هستند. جامعه برخاسته است از نظر جنبش اجتماعی و مطالباتی که هست جنبش مطالباتی در اشکال متفاوتی خودش را سازمان می‌دهد. در سالی که گذشت بیش از ۲۶۰۰ حرکت کارگری توی اکثر در واقع بسیاری از کارگاه‌های بزرگ مثل پتروشیمی‌ها و فولاد و ذوب آهن انجام شد و در واقع جامعه تا حد زیادی بعد از آن سرکوب خیزش انقلابی زن زندگی آزادی تا حد زیادی دارد خودش را در حال سازماندهی است بگونه‌ای داره جامعه خودش رو در مقابل حکومتی که همه حقوق را به بقول شما از روز اول حیاتش تاکنون سلب کرده داره خودش رو نشان می‌دهد این جنبش را چگونه می‌بینید؟ وقتی از جنبش گرسنگان حرف می‌زنید با چه مطالباتی با چه در واقع تصویری خودش را در مقابل جامعه نشان می‌دهد این تصویر چگونه است؟

پاسخ: ببینید واقعیت اینه که جمهوری اسلامی شرائطی را بعنوان نماینده طبقه حاکمه یعنی سرمایه‌داران حاکم بر ایران، شرائطی را در ایران ایجاد کرده که اکثریت مردم ما در زیر خط فقر دارند زندگی می‌کنند این را آمارهای دولتی هم کتمان نمی‌کنند مثلا ببینید در شرائطی که خط فقر را حالا یا بیست و پنج میلیون یا سی میلیون، در آمار و تخمین‌های مختلف با معیارهای مختلف تعیین کرده‌اند حقوق یک کارگر هشت میلیون و دویست هزار تومان است که با یکسری حواشی مثل حق اولاد، حق مسکن حق بن غذا و از این نمونه‌ها می‌شود ده میلیون، وقتی ما نگاه می‌کنیم و مقایسه می‌کنیم با آن سی میلیون خط فقر، ما می‌بینیم که اکثریت این جامعه که کارگران باشند چند برابر زیر خط فقر هستند و تازه ما باید توجه داشته باشیم که این پولی هم که به اسم حداقل دستمزد به کارگرها تعلق می‌گیرد به کارگرانی تعلق می‌گیرد که قانون کار شامل حالشون می‌شود و گرنه در همین دوره خاتمی بود همان سید خندان بود که اکثر کارگاه‌های زیر پنج نفر و زیر ده نفر را از شمول قانون کار خارج کردند یعنی یک چیزی حدود پنجاه درصد طبقه کارگر ایران را از شمول قانون کار خارج کردند یعنی حقوق آنها که بخصوص زنان کارگر هم بخش بزرگی از آنان را در این کارگاه‌های کوچک تشکیل می‌دهند که نان‌آور خانواده هم هستند حقوق آنها حتی به این حد هم نمی‌رسد من یک مثال برایتان بزنم، ببینید ما پرستارهایی داریم که از شدت کار، در حین کار جانشان را از دست می‌دهند ما یک اصطلاحی داریم "کاروشی"، این کاروشی اصطلاح ژاپنی است یعنی کسی که از شدت کار اینقدر کارش شدید شده که به

قلبش فشار می‌آورد و قلبش از حرکت باز می‌ماند و جان می‌بازد. ما تعداد زیادی پرستار الان در ایران داریم که یا به همین طریق کاروشی جان می‌بازند یا از فشار کار خودکشی می‌کنند بعد هم در شرایطی که کارفرماهای آنها خیلی روشن یک شیفت کاری که به آنها می‌دهند می‌گویند یک شیفت هم باید اضافه کاری کنید ولی با یک حقوق مثلا ساعتی ده هزار تومان که هیچی هم نیست یعنی چه؟ جامعه را در یک چنین شرائطی قرار داده جمهوری اسلامی، از سوی دیگر هم چپاول و غارت که جزء ذاتی سلطه جمهوری اسلامی است در جلوی چشم مردم انجام می‌شود و آفازاده‌ها و مسئولین دولتی و ثروتمندان و سرمایه‌دارها با ماشین‌های میلیاردی در خیابان‌ها ویراژ می‌دهند و این شکاف طبقاتی را با بی‌شرمی تمام به نمایش می‌گذارند این کارگر این زحمتکش این ستم‌دیده می‌بیند که شانزده ساعت کار چهارده ساعت می‌کند ولی نمی‌تواند شکم خودش و خانواده‌اش را سیر کند در حالیکه اون یکی با یک دزدی بخش بزرگی از ثروت‌ها را به جیب می‌زند و برای همین هم هست که خیلی جاها ما می‌بینیم که کارگران شعار می‌دهند که یک اختلاس کم بشه وضع ما درست می‌شه، آن چیزی که باید صرف حقوق مردم شود و صرف رفاه مردم بشود می‌رود در جیب یک سری دزد، از طرفی دیگر این جمهوری اسلامی که اساسا سیاستش هم از آغاز این بوده که سرکوب داخلی را توام با آتش افروزی خارجی با هم پیش می‌برده ما می‌بینیم که میلیاردها دلار از ثروت این کشور را در یمن، سوریه و عراق و افغانستان و لبنان غیره خرج دارد می‌کند. خیلی از مردم علیه این شعار می‌دهند علیه این وضع حتی خود نماینده مجلس هم چند وقت پیش آمد گفت بابا ما سی میلیارد دلار در سوریه هزینه کردیم چی گیرمان آمده در حالیکه سوریه حتی از لحاظ اقتصادی هم با اینکه با ترکیه که تجاوز کرده حمله کرده به سوریه، سرمایه‌داران ترکیه بخش خیلی بزرگی از بازار سوریه را دارند در حالیکه این جمهوری اسلامی که سی میلیارد دلار هم رفته هزینه کرده اونجا و جنگیده برای حفظ دیکتاتوری بشار اسد این مزیت را هم ندارد در واقع سیاست خارجی جمهوری اسلامی هیچ کمکی به اقتصاد ایران که نیست هیچ وبال گردن اقتصاد ایران است. علت اتخاذ این سیاست هم این است که این رژیم در گوادلوپ توسط امپریالیست‌ها روی کار آمده رژیم می‌است سرتاپا وابسته به امپریالیسم و خط آنها را پیش می‌برد و این جنگ‌ها و به قول معروف گروه‌های نیابتی در یمن و سوریه و فلان راه می‌اندازد، اینها خطی است که اون انحصارات امپریالیستی که می‌خواهند کالاهایشان را در این منطقه بخصوص کالاهای نظامی‌شان را آب کنند، دعای خیرشان همیشه همراه جمهوری اسلامی بوده که چیزی به نام بنیادگرایی اسلامی از طریق جمهوری اسلامی شکل دادند و حالا هم دارند هر روز یک جایی در یک جایی نان‌اش را می‌خورند در ضمن دستشان را هم می‌شورند و می‌گویند ما خودمان هم با اینها مخالف هستیم و هر جایی که بگویید ما اینها را تحریم کردیم این جمهوری اسلامی هر کاری می‌کند آنها می‌آیند مثلا سه نفر از پاسداران را می‌برند جزء لیست تحریم‌ها قرار می‌دهند.

مجری برنامه: خب این سیاست تحریم‌ها و در واقع درگیری‌های امپریالیستی، بلوک‌هایی که هست بطور واقعی جریان دارد این نوعی از یعنی در واقع حداقل جمهوری اسلامی با هر تعریفی که ارزش داشته باشیم در واقعیت یک حکومت ضد مردمی بوده که علیه هر گونه ترقی خواهی و واقعا عنصر آزادی خواهی نه فقط در ایران بلکه در کل منطقه ما بوده و عاملی در تشدید در واقع حضور امپریالیستی نوبی منطقه ما و تشدید مسابقه تسلیحاتی، این بطور واقعی اما توی این عرصه‌ای که الان ما هستیم شما از یک جهت می‌گویید با یک جنبش زنان و نافرمانی زنان روبرو هستیم با یک جنبش گرسنگان روبرو هستیم که علیه این حکومت برخاسته و حکومتی که دست خالی دارد دستش خالی است در واقع در برآورده کردن هر گونه خواست اجتماعی کوچکترین کوچکترین رفرم‌ها، در موقعیتی که هست بقول شما غارت‌های بزرگ هم در حال صورت گرفتن است. غارت‌هایی که در مجموعه این حکومتی که خودش را صاحب کل کشور می‌داند خامنه‌ای و بیتش و دستگاه روحانیت که خودش اصلا صاحب مملکت و آدم‌هایش هم می‌دانند و برایش مهم نیست در موقعیت بسیار بسیار در واقع متزلزلی قرار گرفته، در موقعیتی قرار گرفته که خیلی‌ها مثل خود همین جنبش زن زندگی آزادی انتظار سرنگونی قریب الوقوع‌اش دارند آلت‌رناتیو‌هایی در حال شکل گیریند، شکل گرفتن. بحث بر سر چپ و راست و عرصه نبرد سیاسی و اجتماعی در ایران

است این عرصه را شما چگونه می‌بینید؟ چپ کجاست در این عرصه نبردی که علیه حکومت اسلامی، علیه سرمایه‌داری و علیه سیاست در واقع امپریالیستی و استعماری در این منطقه ما جریان دارد چپ کجاست چگونه تعریف می‌کنیم این چپ را امروز؟

پاسخ: اجازه بدهید قبل از اینکه به این پردازم به قسمت اول صحبت شما پردازم اینکه می‌گوئید رژیم دستش خالی است من اتفاقاً می‌گویم رژیم دستش خیلی پر است،

مجری برنامه: در سرکوب بله.

پاسخ: ببینید. این رژیم در دوره احمدی نژاد چیزی حدود هفتصد میلیارد دلار پول نفت وارد این مملکت شده آن دوره‌ای که یک دفعه قیمت نفت رفت بالا، خود همین روحانی که حالا صلاحیتش را رد کردن برای مجلس خبرگان صدایش درآمده که هشتصد میلیارد دلار پولی که وارد این مملکت شد چی شد حالا خودش هم جزء دزدهاست ولی میاد عدد می‌دهد یعنی الان یک وضعیتی شده که اون آخوند دوهزاری که یک باغی را به اسم خودش می‌کند همه می‌آیند رو می‌کنند که این باغ رو، او می‌گه من نبودم یکی دیگه رفته امضاء منو جعل کرده و بعد معلوم می‌شود و خود حوزه علمیه قم اعلام می‌کند که نه خیر خودتان در آنجا در ثبت احوال حضور داشتید و امضاء کردید یعنی دست همدیگر را این دزدها دارند رو می‌کنند در یک چنین شرائطی پس بودجه دارند اینکه مثلاً همین امروز این رئیسی پیچیده به طلافروش‌ها و می‌خواهد درآمدهایشان را اعلام کنند تا از آنها پنجاه درصد مالیاتی را که زیاد کرده بگیرد و اونها اعتصاب کردن الان این نشان دهنده این است که بابا پول هست ولی بخش بزرگی از این پول صرف دزدی آفازده‌ها می‌شود منتقل می‌شود به کشورهای دیگه مثل کانادا و هر کسی...

مجری برنامه: من به لحاظ این می‌گویم اینها دستشان خالی است که برنامه‌ای برای پاسخگویی به مطالبات اجتماعی و درخواست‌های مردمی ندارند واقعیتش این است.

ادامه پاسخ: این کاملاً درست است چون چنین خواستی هم ندارند جمهوری اسلامی برای این نیامده که که بقول معروف حکومت مستضعفان باشد و پول نفت را ببرد سر سفره مردم، جمهوری اسلامی برای این آمده که انقلاب سال ۵۷ را با هر خصوصیتی که حالا داشت سرکوب کند و سلطه سرمایه‌دارها را تحکیم بکند. موقعیت کشورهای امپریالیستی در ایران را هم حفظ بکند و سیاست آنها را در منطقه گسترش دهد. اساساً بنیادگرایی اسلامی که جمهوری اسلامی یکی از جلوه‌های مشخص‌اش هست این (ریسمانش) دست امریکاست بخصوص که از آستین این رژیم می‌آید بیرون و کارهایش را پیش می‌برد ما باید روی این تاکید کنیم که برخی دچار این اشتباه نشوند که فکر کنند این آمریکا دلسوز مردم ما شده اتفاقاً این جنایاتی که جمهوری اسلامی در چهل و پنج سال گذشته علیه مردم ما اعمال کرده همان چیزی است که آنها می‌خواستند و از آن دفاع می‌کنند و خواهانش هستند و دروغ هم می‌گویند. این رژیم یک وضعیتی دارد که پرخاشگری ظاهری با غرب را در حال تنیدگی اقتصادی سیاسی با اون توامان پیش می‌برد. در نتیجه دست...

مجری برنامه: به هر حال این موضوع زیاد توضیح نمی‌دهد درگیری‌هایی که این به واقع به اصطلاح این جریان اسلام‌گرایی با جریان در واقع امپریالیستی امریکایی دارد گر چه این درگیری‌ها و به قول معروف مقابله‌ها و منازعاتی که دارد دقیقاً در یک موضع ارتجاعی‌تری از موضعی که رژیم شاه هم داشت رژیم شاه می‌گفت یک ژاندارم مستقیم منطقه است که بعداً می‌توانیم به یک بحث دیگری بگذاریم ولی امروز در این عرصه‌ای که الان هست ما می‌بینیم که شاه الهی‌ها هستند، گروه سلطنت طلب‌ها و جریان‌ها هستند سازمان‌های دیگری هستند که طرفدار مداخله امپریالیستی هستند برای تغییر رژیم در ایران و جریان بقول معروف دیگری که می‌خواهد با اتکاء بر انقلاب مردم جنبش اجتماعی مردم و مطالبات اجتماعی نهادهای خودساخته مردم بتواند بقدرت برسد این حکومت را سرنگون کند می‌خواستیم بگویم در این نبرد، نبرد کنونی چپ کجاست؟ چپ و راست را چگونه می‌شود تعریف کرد؟

پاسخ: ببینید در طیف گسترده مخالفین جمهوری اسلامی ما می‌توانیم یک دسته بندی بکنیم که شما هم به آن اشاره کردید آنهایی که می‌خواهند با انقلاب مردم با قدرت مردم رژیم را به‌عنوان عامل اصلی نکبت و فلاکت کنونی از صحنه خارج کنند یعنی نابودش کنند و دسته دیگری که می‌خواهند با کمک خارجی این کار را بکنند. همه آنهایی که می‌خواهند با کمک خارجی و با کمک امپریالیست‌ها ممکن است برخی از کلمه امپریالیسم هم خوششان نیاید. حالا بگوییم قدرت‌های جهانی می‌خواهند جمهوری اسلامی برود و اینها بقدرت برسند نیروهای ضدمردمی و ارتجاعی هستند نمونه بارزش همین سلطنت طلب‌ها هستند که نقش ضدانقلابی و واقعا تخریب‌گرایانه شون را ما در همین جنبش ۱۴۰۱ به عینه دیدیم. در لندن در تظاهرات در میدان "ترافلگار اسکوئر" در پشت بلندگو فریاد می‌زدند به چپ‌ها که ما خودمون می‌کشیمتان! یا در جاهای مختلف درگیری ایجاد می‌کردند و می‌کنند هم هنوز و بعد هم که ان شعار "مرگ بر سه مفسد ملا چپی مجاهد" را راه انداختند و از ارتجاع سرخ و سیاه صحبت می‌کنند. اینها نیروهایی هستند که هیچ سودی به نفع مردم ما ندارند جز ضرر؛ اینها تنیده هم هستند با وزارت اطلاعات و نیروهای ارتجاعی داخلی و می‌بینیم هم که هر دقیقه یکی را از داخل یا خود وزارت اطلاعات می‌فرستد و یا خودش بحرانی می‌شود میاد داخل اینها. جایگاهش در همین طیف روشنه. یک طیف دیگر هم هستند که می‌خواهند از طریق انقلاب و از طریق مبارزات مردمی به نتیجه برسند و البته در میان اینها پراکندگی خیلی شدید است و اختلافات فکری‌شان هم شدید است. به خصوص که یک چیز را ما باید بفهمیم در جمهوری اسلامی به رغم همه این مبارزاتی که وجود دارد و این مبارزات واقعی است اما امکان شکل دادن به یک تشکل سیاسی و تشکل‌های صنفی و اقتصادی طبقه کارگر در مسیر این مبارزات جاری وجود ندارد چون این دیکتاتوری اصلا تعارف ندارد هر صدایی را از بین می‌برد همین چند روز پیش یک نفر بلوچ را فکر کنم بیرجند بود اعدامش که کردند می‌خواستند اعدام کنند قبل از اعدام رفتن با او تماس گرفتند و به او گفتند ما به شرطی اعدام نمی‌کنیم که بروی خارج یک چند نفری را بکشی! یعنی این وزارت اطلاعات است صدای این شخص در فضای مجازی هم هست. وزارت اطلاعات خطش این است. طرف را از اتریش اجازه دادن موافقت کردن آمده بخاطر فضای مجازی فعالیت در فضای مجازی گرفتن و حکم اعدام دادند می‌خواهند اعدامش کنند کسی بنام محمد محرابی. یا یک خواننده بلوچ چند روز پیش این رفته بود خارج مهاجرت کرده بود بعد بخاطر مسائل خانوادگی گفته بودن بشرطی که خوانندگی نکنی اجازه داری برگردی برگشت رفتن با چاقو زدن توی شکمش و کشتنش در بلوچستان. این وزارت اطلاعات است و این رژیم و این سرکوبگری که اینها پیش می‌برند اجازه نمی‌دهد که در بستر این مبارزات تشکل ایجاد کرد و آن را دوام بخشید. اینجاست که ما بعنوان چریک‌های فدایی خلق ایران تاکید داریم که باید روشنفکران انقلابی و کارگران پیشرو هسته‌های سیاسی نظامی تشکیل بدهند و با اعمال قهر انقلابی با دشمنی که جز زبان زور نمی‌شناسد مواجه بشوند در بستر این مبارزات است که همه این نهرها و جویبارهای اعتراضی این امکان را پیدا می‌کنند که باهم پیوند پیدا بکنند و حتی گسترش پیدا کنند همین نافرمانی‌های مدنی نه اینکه بد باشد خیلی هم خوبه باید هم وجود داشته باشد کسی هم نمی‌تواند جلوییش را بگیرد که وجود داشته باشد ولی اگر کسی دلش را به این خوش کرده که هر چه ما هزینه‌های مبارزه را بیاوریم پایین بار توده‌ای آن را می‌بریم بالا و من با اون خشونت و این چیزها کاری ندارم خُب نمی‌فهمد که این خشونت را اون (یعنی دشمن) دارد بر تو تحمیل می‌کند.

مجری برنامه: سؤال پیش میاد وقتی شما می‌گویید که هزینه‌های تشکل یابی بسیار بالاست خواننده بلوچی را می‌گیرند بخاطر خواندن می‌کشند یا فلان عزیزی که وبلاگ نویس است حتی ستار بهشتی را می‌گیرند بخاطر یک وبلاگ می‌کشند وقتی هزینه‌ها اینگونه است و ما می‌بینیم که هزینه‌های بسیار سنگینی است چه جوری بقول شما اگر ایجاد یک تشکل سراسری، تشکل‌های اجتماعی، تا حدی زیادی ناممکن است چگونه ممکن است تشکل‌های نظامی مخفی را در واقع سامان داد آن هم در ابعادی که بتواند تاثیرات اجتماعی بزرگ داشته باشد. ما می‌بینیم که دوره مثلا چریک‌های فدایی خلق ایران که در دهه پنجاه فداکاری‌های بزرگی کردند ده‌ها نفر نزدیک به پانصد نفر از عزیزان ما، بهترین فرزندان این

آب و خاک جان دادند در زندان‌های رژیم یا در خانه‌های تیمی، اما متأسفانه در این عرصه نبرد موقعی که انقلاب شد انقلاب سال ۵۷ چریک‌های فدایی علیرغم آن همه فداکاری‌ها نبرد را به نهادی که نهادهای مختلف اجتماعی را درست کرده بود جنبش عمومی را توانسته بود سامان دهد باخت یعنی ما انقلابی شکل گرفت انقلاب علیرغم فداکاری‌ها قربانیانش همون کسانی بودند که باز آن خط رادیکال انقلابی را چیز می‌کردند این نشان می‌دهد که تا حد زیادی پاسخگو نیست یعنی پاسخگویی این مبارزه اجتماعی سازماندهی جنبش اجتماعی نیست و این شما که می‌گویید می‌خواهید مردم خودشان سرنوشتشان خودشان را بدست بگیرند مردم در تمرین مبارزه اجتماعی این کار را می‌کنند ولی جدا کردنش با جنبش روشنفکران انقلابی چگونه است؟

پاسخ: ببینید اتفاقا مثالی که تایید می‌کند همین خط را همان مبارزات چریک‌های فدایی خلق و اصولا جنبش مسلحانه در دهه پنجاه است تا زمان انقلاب، ولی شما از نتیجه انقلاب این را استنباط می‌کنید یا این را اشاعه می‌دهید که پس آنها نتیجه نداد کارشان در حالیکه شما اگر یک لحظه نگاه کنید به شرایط بعد از قیام بیست و دو بهمن چه سازمانی در وسعت توده‌ای در صحنه شکل گرفت آیا این سازمان با نافرمانی مدنی بوجود آمده بود یا اینکه بخاطر هشت سال مبارزه مسلحانه‌اش بود که با این استقبال وسیع مردمی مواجه شد؟ این را چرا فراموش می‌کنید؟ اگر اتفاقا تجربه نشان داد آن که در آن دوره دیکتاتوری جنگید به رغم همه ضربات که خورد به رغم ضربات بزرگ سال پنجاه و پنج و بعد به رغم ضربه‌ای که از درون خورد که حالا من نمی‌خواهم وقت این جلسه را و این گفتگو را با این صحبت بگیرم اتفاقا همین جنبش مسلحانه بود. یک فاکت دیگر، سازمان مجاهدین وقتی که ما از زندان آمدیم بیرون سازمان مجاهدین در جامعه حضور تشکیلاتی نداشت ولی ببینید بار اجتماعی داشت در عرض یک مدت کوتاهی، یک تشکیلات کار به خطوط آن ندارم اشتباه نشود ولی همان بار اجتماعی را در اثر آن مبارزات دوره شاه و شرکتش در جنبش مسلحانه بدست آورده بود این به هر حال به نظر من آن چیزی که همه این جویبارهای اعتراض را بهم وصل می‌کند اتفاقا پابندی به شکل اصلی مبارزه در شرایط دیکتاتوری در ایران. شکل اصلی مبارزه در شرایط دیکتاتوری در ایران و با این رژیمی که جز حرف زور با هیچ سخن و با هیچ چیز دیگری حرف نمی‌زند فقط زور می‌گوید و فقط می‌کشد، فقط اعدام می‌کند با زندان و شکنجه و اعدام که خودش را نگه داشته است جز قهر انقلابی اصلا راه دیگری وجود ندارد. اتفاقا ...

مجری برنامه: قهر انقلابی در قیام توده‌ای مردم در واقع اجرا خواهد شد یعنی در عرصه اجتماعی و عمومی که می‌خواهد جنبش همه مردم مسلح می‌شوند این مثل قیامی که در اکتبر...

پاسخ: اینکه خودش خیلی مثبت است که حداقل از قیام توده‌ای که یک عده‌ای قبول می‌کنند یک عده‌ای در همین برنامه می‌بینیم که می‌گویند قیام مسلحانه توده‌ای یعنی خشونت و قبول ندارند.

مجری برنامه: واقعیت این است خشونت، خشونت دولتی است خشونت حکومتی است که یک حکومتی می‌خواهد خودش را سوار کند ما روزانه شاهدیم به مثابه خشونت فیزیکی و علنی که جریان دارد و هم خشونت پنهانی که در واقع جامعه را در آن زنجیر می‌کند به این لحاظ هم هست که در واقع خود مقابله با این خشونت هم انواع و اشکال جنبه‌های مختلف دارد یک دفعه می‌بینیم شما بدرستی گفتید که وقتی خیزش انقلابی زن زندگی آزادی شروع شد مردم در ۱۶۰ شهر آمدند نیروهای گشت ارشاد رفتند خانه، و عقب نشینی کردند مردم و زنان پوشش آزاد را انتخاب کردند شعارهایش را دادند تولید هنری انقلابی فراوانی شد جامعه خودش با یک انقلاب فرهنگی بزرگی یکباره علیرغم اینکه در واقع حکومت را سرنگون نکردند اما در تفکر اجتماعی یک انقلاب فرهنگی اتفاق افتاد و بی سبب نیست که کل جامعه هنوز برافروخته است کل جامعه از حکومت اسلامی، حکومت مذهبی، حکومت فردی، حکومت موروثی در واقع جلو زده و آن را به عقب به تاریخ به گورستان‌های تاریخ دارد

می‌سپارد بلحاظ تفکری، به همین دلیل هم هست که می‌گوئیم چپ کجای جامعه قرار گرفته است چپ با چه مطالباتی نه به مثابه چه شیوه مبارزاتی را عمل می‌کند، بلکه چه مطالباتی در مقابل جامعه قرار می‌دهد.

پاسخ: اجازه دهید من بیایم در صحبت‌تان و با محدودیت زمانی هم که داریم.

مجری برنامه: بله متاسفانه ۵ دقیقه وقت داریم

ادامه پاسخ: من فقط این را باید به شما بگویم که ببینید حالا این بحث را می‌گذارم و می‌روم روی این چپی که شما می‌گویید. کسی نمی‌گوید چپ و راست با شکل مبارزه تعیین می‌شود. درست است اساساً چپ وقتی می‌خواهد تعیین بکند چپ هست باید بروی توی شرایط اجتماعی آن جامعه، ببینی که چه نظام اقتصادی وجود دارد چه طبقاتی وجود دارد آن نیروهایی که از وضع موجود دفاع می‌کنند بطور طبیعی راست‌های آن جامعه هستند و آن نیروهایی که خواهان تغییر وضعیت موجود و خواهان این هستند که ستم‌دیدگان، کارگران به قدرت برسند و مطالبات آنها متحقق شود چپ جامعه را تشکیل می‌دهند این یک چیز کلی است البته بعد ما می‌توانیم در سازمان مشخص حتی ...

مجری برنامه: سازمان مشخص امروز نه در کلیات...

پاسخ: امروز ببینید ما یک مبارزات گسترده کارگری داریم آمار هم خودتان دادید که بیش از سه هزار در عرض یکسال اعتصاب کارگری شده است و این اعتصابات در همه کشور هست در یک شهر نیست در یک مرکز تولیدی مثلاً شرکت نفت هم نیست در همه کارخانجات و در همه کشور پراکنده است. اون‌هایی که در این جامعه‌ای که طبقه حاکمه و رژیم حافظش جمهوری اسلامی، اینها را در فقر و فلاکت نگه داشته‌اند آنها می‌خواهند این رژیم را ببندازند و با قدرت مردم به رهبری همین کارگرها این رژیم را ببندازند و یک شرائطی را ایجاد بکنند که مردم بتوانند آزادانه سرنوشت خودشان را تعیین بکنند اینها چپ‌های این جامعه هستند و چپ این جامعه اتفاقاً یک زمینه اجتماعی خیلی وسیعی دارد در خود ایران، اینکه سازمان‌هایش پراکنده است اینکه ایده‌ها و افکار مختلف در آن هست ذره‌ای در این واقعیت اخلاص ایجاد نمی‌کند شک ایجاد نمی‌کند آن چیزی که درست است این است که در درون جامعه ما با یک طبقه کارگر خیلی رزمنده‌ای مواجه هستیم که بورژوازی ایران آن را به مرگ قطعی محکوم کرده یعنی حتی آن حد به او دست‌مزد نمی‌دهد که به بازتولید نیروی کارش منجر شود یعنی برای اینکه باز تولید کند نیروی کارش را مجبور است که یا اضافه کاری کند و یا دو تا کار انجام دهد و یا سه تا کار بکند. ما الان کارگرانی که دو تا شغل دارند زیاد داریم در نتیجه آنهایی که می‌خواهند بدون دخالت خارجی با تکیه بر همین کارگرها، با تکیه بر همین ستم‌دیدگان نظم موجود را از بنیان در هم بشکنند و یک نظم جدیدی برقرار کنند آنها چپ این جامعه هستند با زمینه اجتماعی، ولی مهم این است که بقول معروف این سازمان‌هایی که مدعی چپ هستند هر کدام، خود ما، چطور می‌توانند با این نیروی اجتماعی در پیوند قرار بگیرند رابطه تنگاتنگ ایجاد بکنند و بتوانند آن سازمان مورد نیاز برای رهبری مبارزات این مردم را ایجاد بکنند. این آن سئوالات اساسی است که ما برای آنها پاسخ‌های مشخصی داریم که البته مورد توافق خیلی‌ها هم نیست.

مجری برنامه:

سنجری: صدای شما قطع شد.

مجری برنامه (علی دماوندی): بله . درود بر تو فربرز جان ممنونم حالا امیدوارم که باز هم شما را داشته باشیم، باز هم گفتگو بکنیم ممنون از تو، و ممنون از شما بینندگان عزیز برنامه گفتگو که حوصله کردید و گفتگو را دنبال کردید.

رفیق سنجری : من هم یکبار دیگر سپاسگزاری می‌کنم از شما و از همه بینندگان این برنامه و امیدوارم که زیاد خسته شان نکرده باشیم.

مجری برنامه: حتما. گفتگوی خوبی بود ممنونم حقیقتش را بخواهید ما این مسئله در واقع چپ و راست الان بیک بحث در واقع رسانه‌ای تا حدی تبدیل شده خیلی‌ها چپ را فقط یعنی چپ و راست را نه فقط در عرصه بین المللی خصوصا در عرصه منطقه‌ای علیه تجاوز جنایتکارانه اسرائیل به غزه و کشتار و نسل کشی که در آنجا هست در اینکه رنج مردمان غزه در واقع بی اعتنا نباشیم در عین حال علیه سلطه امپریالیستی و سلطه استعماری که توی منطقه ماست و علیه جمهوری اسلامی و همه جناح‌هاش و همه کسانی که در واقع خواهان نظم موجوداند می‌بینند. امیدوارم که این توافق را ما حداقل در این جنبه‌ها با هم داریم. خوب شیوه‌ها و گفتگوها را باید گفتگو کرد.
رفیق سنجری با خنده: به هر حال سپاس از وقتی که به من دادید!